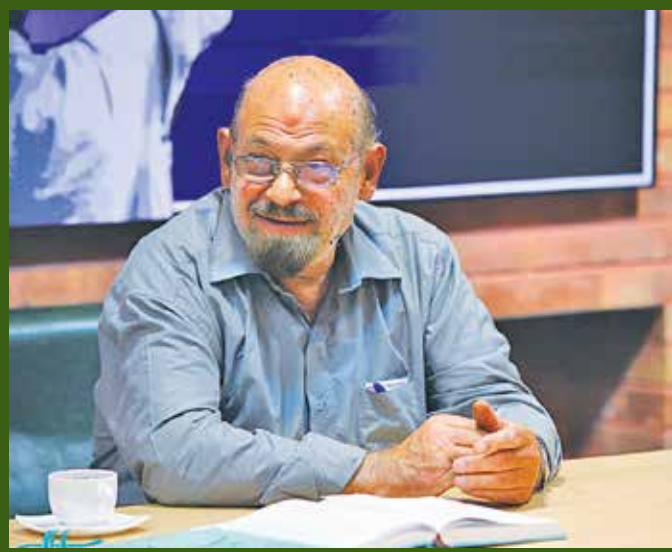
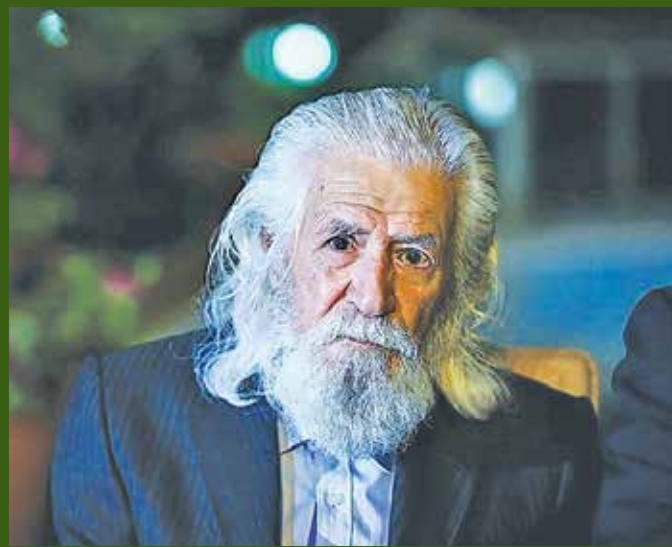
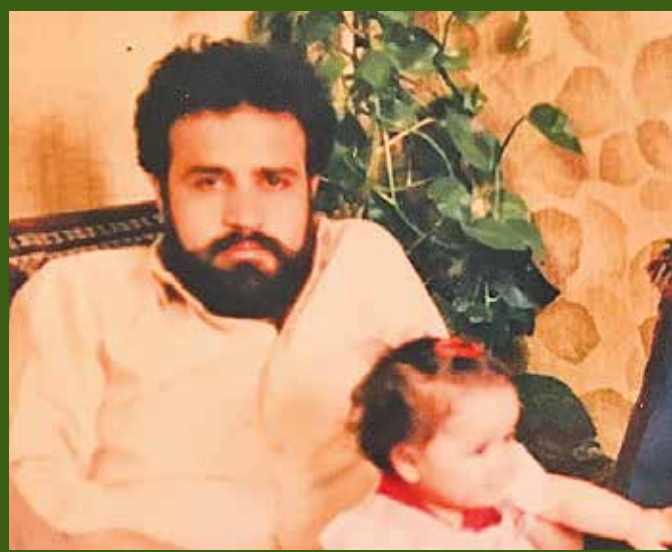




به درخواست
مرحوم ایلخانی
رفتیم خانه ایشان
تا آخرین تمرین ها
را آنجا انجام دهیم.
خانه آقای ایلخانی
در نزدیکی کاخ
سعدآباد بود. قبل
از ساعت حکومت
نظامی رفتیم آنجا.
برای پیشگیری
از انتشار صدا
در اطراف خانه،
درها و پنجره ها
را کامل بستیم و
پرده ها را کشیدیم
و تا صبح مشغول
تمرین و ضبط
بودیم. صبح که
شد آقای ایلخانی
پسرش را فرستاد
که نان بگیرد.
وقتی برگشت
گفت صدایتان تا
سرکوپه می آید!
تازه متوجه شدیم
که آن همه استتار
و احتیاط تأثیری
نداشته و ما شب
تا صبح درست در
همسایگی کاخ
سعدآباد داشتیم
خمینی ای امام،
خمینی ای امام،
می خواندیم! لطف
خدا بود که کسی
متوجه صدای ما
نشده بود



خانه، درها و پنجره ها را کامل بستیم و پرده ها را کشیدیم و تا صبح مشغول تمرین و ضبط بودیم. صبح که شد آقای ایلخانی پسرش را فرستاد که نان بگیرد. وقتی برگشت گفت صدایتان تا سرکوپه می آید! تازه متوجه شدیم که آن همه استتار و احتیاط تأثیری نداشته و ما شب تا صبح درست در همسایگی کاخ سعدآباد داشتیم خمینی ای امام، خمینی ای امام، می خواندیم! لطف خدا بود که کسی متوجه صدای ما نشده بود.

نسخه ای که با عنوان خمینی ای امام پشت نوارهای سخنرانی امام آمد، کار این جمع ۸، ۷ نفره بود. این نسخه در آرشیو تلویزیون هم نیست. احتمالاً در آرشیو شخصی یا در مرکز اسناد انقلاب اسلامی موجود باشد.

اوایل بهمن برای استتبار از حضرت امام این سرود را با پچه های گروه بزرگ تمرین کردیم. همان روزها که داشتیم با پچه ها سرود خمینی ای امام را تمرین می کردیم، آقای سبزواری شعر دیگری به من داد و گفت این را هم آماده کنیم. آقای سبزواری باهوش و آینده نگر بود. با همان تیزبینی اش حساب کرده بود که اگر امام به کشور بیایند، اولین کاری که می کنند زیارت شهادت و اولین جایی هم که می روند بهشت زهرا خواهد بود و ما باید برای آن لحظه کاری بکنیم. با این محاسبه و پیش بینی، شعر برخیزید را نوشته بود که در واقع دیدار امام و شهدار را روایت می کرد.

برخیزید ای شهیدان راه خدا
ای کرده بهر احیای حق جان فدا
از قطره قطره خون پاک شما
می روید تا ابد در وطن لاله ها
برخیزید برخیزید
برخیزید رهبر آمد کنون در کنار تان
تا سازد غرقه در بوسه خاک مزار تان
تا گیرد خونبهای شهیدان ز اهرمن
باز آمد رهبر ما پی باری وطن
برخیزید برخیزید
جاویدان زندگی جوشد از خاک هر شهید
باز روید لاله از تربت پاک هر شهید
ای انسان چون شهادت سر آغاز زندگیست
مرگ سرخ رمز آزادی و راز زندگیست
برخیزید برخیزید
برخیزید ای شهیدان راه خدا
ای کرده بهر احیای حق جان فدا
کز قطره قطره خون پاک شما
می روید تا ابد در وطن لاله ها
برخیزید برخیزید
در عالم مایه سرفرازی شهادت است
پیش ما مرگ در راه ایمان سعادت است
هر کس او در ره عدل و دین ره سپر شود
در این ره گردد جان ز کف زنده تر شود
برخیزید برخیزید
از دشت کربلا هر زمان آید این پیام
در راه عزت و افتخار و شرف قیام
تا انسان تن رها سازد از بند بندگی
عاشورا بر مجاهد دهد درس زندگی
متن شعر را در یکی از روزهای ۲۹ دی تا دوم بهمن از آقای سبزواری گرفتم زیرا تا پنجم بهمن که قرار بود امام تشریف بیاورند فرصت زیادی نداشتیم. با نیت کشف ملودی، روی شعر تمرکز کردم. سعی می کردم از خود کلام ملودی را پیدا کنم. آقای سبزواری، تلفیقی از حماسه و سوز را در این شعر نشان داده بود. ملودی باید، هم ضرباهنگ حماسه و شور داشت و هم سوز شهادت. بالاخره فضای شعر دستم را گرفت و توانستم به ملودی برسیم. برای پچه های گروه سخت بود که دو سرود طولانی، با ملودی های متفاوت را همزمان تمرین کنند و به حافظه بسپارند. اما بالاخره کار باید ساخته می شد. تمرین ها را انجام دادیم و آماده شدیم. بازگشت امام که به تأخیر افتاد، فرصت چند روزه ای دست داد تا تمرین ها را بیشتر کنیم.

ساخت سرود می کنند. مرحوم حسین صبحدل که از موزن های بنام بود، زمان شاه در رادیو کار می کرد، در حسینیه ارشاد هم اذان می گفت و هم آواز می خواند که ایشان کارگردانی برنامه و ضبط سرودها را برعهده می گیرد. محمدرضا شریفی نیا، قسمت دکلمه سرودها را می گوید و ترجمه قرآن را هم اومی خواند. همچنین حمید یگانه در صداپردازی کمک می کند زیرا صدای باس خوبی دارد و متن ها را می خواند و عباس صالحی هم خواندن قرآن و ادعیه را برعهده می گیرد. اینها همه در یک گروه جمع بودند که حمید شاهنگیان هم به آنها اضافه می شود و سرودهایی که قبلاً به صورت تنهایی ساخته و خوانده بود را مجدد با این گروه با کیفیت بیشتری می خوانند. از جمله سرودهایی که در حسینیه ارشاد بازخوانی می شود، سرود زندانی است که در آن از شعار معروف مردم یعنی: آزادی زندانیان سیاسی استفاده می شود.

از فعالیت های این گروه ساخت سرودهای بسیار زیادی است از جمله سرود خمینی ای امام، که با شعرای از حمید سبزواری برای ورود امام خمینی به ایران تهیه شده و با اجرای جوانان تربیت شده توسط گروه حسینیه ارشاد در فرودگاه هنگام استقبال از امام خوانده می شود و همان روز، گروه دوم از همین جوانان، سرود برخیزید که شعر آن را نیز حمید سبزواری سروده بود، می خوانند. این سرود را در بهشت زهرا اجرا می کنند تا در محضر امام با شهدا تجدید عهد کنند.

شاهنگیان درباره سرود خمینی ای امام می گوید: نسخه اصلی این سرود به مدتی قبل از تشکیل گروه بزرگ برمی گشت. خمینی ای امام را اولین بار خودمان با همان گروه سرود ۵-۶ نفره حسینیه ارشاد خوانده بودیم. آقای سبزواری درباره حضرت امام، دو تا شعر به من داد. اسم امام هم در یکی از آن شعرها آمده بود که قرار شد روی این شعرها کار کنیم برای ساخت سرود. من این دو تا شعر را با هم تلفیق کردم. بخش هایی از یک شعر را روی آن یکی شعر گذاشتم و شد سرود خمینی ای امام. ملودی اولیه سرود را که ساختم به آقای صبحدل نشان دادم. آقای صبحدل بعد از اینکه گوش کرد، گفت: حمید چرا فرود آمدی؟ منظورش این بود که ترکیب ملودی به جای اینکه صعودی باشد، کمی فرود آمده است. خدا رحمت کند آقای حسین صبحدل را که من مدیونش هستم. این نکته سنجی اش خیلی هوشمندانه بود. آقای صبحدل با گفتن چرا فرود می آیی؟ می خواست یادآوری کند که حسن تماسی سرود باید بیشتر باشد. دیدم نکته درستی می گوید. گفتم درست می گوید؛ رویش کار می کنم. فکر هم نمی کنم ملودی اولیه را غیر از آقای صبحدل کسی شنیده بود. بعد از این تذکر، تغییری در ملودی دادم تا آن اشکال را رفع کرده باشم. احساسم این بود که این طوری حماسی تر و صعودی تر شد. نسخه اولیه را گروه چند نفره خودمان اواسط دی ماه خواندند. اعضای این گروه استعداد خواندن داشتند. اصلاً همه شان خواننده بودند. شمسایی خواننده بود، صبحدل خواننده بود، صالحی خواننده بود و محمدرضا شریفی نیا هم که تئاتر کار کرده بود و می توانست از صدایش خوب استفاده کند. او سرود را نمی خواند و فقط هر بند شعر را در فواصل خواندن سرود دکلمه می کرد. خلاصه همه صاحب تجربه بودند. بعد چهار نفر دیگر یعنی مرحوم ایلخانی با سه پسرش هم به این جمع اضافه شدند. به درخواست مرحوم ایلخانی رفتیم خانه ایشان تا آخرین تمرین ها را آنجا انجام دهیم.

خانه آقای ایلخانی در نزدیکی کاخ سعدآباد بود. قبل از ساعت حکومت نظامی رفتیم آنجا. برای پیشگیری از انتشار صدا در اطراف